

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

زرقا فروغ
۲۶ فبروری ۲۰۲۱

دولت ناتوان غنی و تاختن چارنعل شوالیه صالح



دولت افغانستان در تلاش است تا از خود تصویری از یک دولت توانمند برای جهانیان نشان بدهد، این دولت نه تنها بر ابزارهای قدرت به عنوان یک دولت کنترول نداشته است، حتی بر بخش هایی از قلمرو افغانستان نیز حاکمیت ندارد، این دولت نمی تواند پاسخگوی ثبات و آرامش و مصونیت به باشندگان این سرزمین باشد، دولت از رشد اقتصادی و توزیع خدمات اجتماعی عاجز است و با نابرابری گسترده اقتصادی و رقابتهای خشونت آمیز برای منابع کشور روبه روست و هم از لحاظ سیاسی و هم از لحاظ اقتصادی در بحران بی حد و حصری به سر می برد.

کشتار زنان و کارکنان دولتی و خبر نگاران، درماندگی در پذیرش مسؤولیت در قبال اتفاقات و کشتارهای فجیع جمعی، توزیع وزارت خانه ها و مسؤولیت های دولتی مبتنی بر طایفه گرایی و خویشاوند محوری، حزبی و سمتی، رشد شدید خرافات و سنت های عقب مانده در سیستم آموزش و پرورش تا آن جا که سر پرست وزارت معارف و تعلیم و تربیت پیشنهاد سپردن کودکان از صنف اول تا سوم را به مساجد، مطرح می کند. این دولت حتی از عهده تأمین هزینه های زندگانی بخورونمیر شهروندان اعم از کارمندان و معلمان و سربازان در جبهه های جنگ بر نمی آید، ساختارهای قانونی درهم و از بین رفته و یا این که از کارائی لازم برخوردار نیست، فساد گسترده در تمام عرصه ها حاکم است. در پهلوی

آن بیداد کرونا چلنج دیگر نیست. بازیگران غیردولتی خارجی (مثل بلک واتر و سیگار) یا داخلی در امور دولت مرکزی دخالت گر است رخت بر بستن نظارت و اجرای قانون در ساختار اداری، غیبت عدالت و انصاف از نهادهای عدلی و قضائی، افزایش رشوت خواری و گسترش روابط غیرقانونی در ادارات، عدم برخورد قاطع با مجرمین و قانون گریزان. نهاد های عدلی و قضائی با دآوری های غیرعادلانه و غیرمنصفانه، ظلم مضاعفی را بر مردم تحمیل می نمایند. آیا هنوز امرالله صالح ادعا می کند که اجازه داده نخواهد شد کشور در بحران فرو رود.

با وجود آن که دولت پوشالی آخرین تلاشهای خود را به خرج می دهد تا خود را دولت دارای اتوریته وانمود کند، ناتوانی از تمام وجوه آن پیداست. با استفاده از چنین وضعیتی کشور های ذینفع در افغانستان با استفاده از گروههای افراطی مانند طالب و داعش و امثال آن ها با آماج قرار دادن طیف های مختلف شهروندان، در پی آند تا زمینه های نارضایتی هر چه بیشتر مردم را فراهم ساخته فرقه گرایی و تشنج میان فرقه ها و مذاهب را دامن زنند و نهایتاً معضلات داخلی و خلأهای سیاسی ایجاد کرده و با استفاده از سناریوی صلح و غیره در فکر گرفتن سهم بیشتر باشند.

دولت از رمق افتاده غنی برای برون رفت ازین مخمصه به راه های حل فردی رو آورده و سلسله امورات را به افراد از جمله امرالله صالح واگذار کرده است، صالح در سمت وزیر دفاع، صالح به سمت رئیس امنیت ملی، صالح به سمت شهر دار کابل، صالح به سمت والی ولایات، و صالح و صالح وص در هر جلسه شش و نیم صبح یک فرمان جدید را صادر می کند. سؤال اینجاست که آیا ممکن است افغانستان ورشکسته را با تک روی های فردی و یاغیگری های هستریک و سرکوب های صالح نجات داد؟

دولت، رهبران جهادی و سران مافیائی حاضر (ستون پنجمی ها) در دولت سه ضلع مثلث قدرت در افغانستان است و تمام منازعات و مصلحت های سیاسی در افغانستان با حضور این سه ضلع شکل گرفته است و این سه ضلع ارتجاعی تا حد ممکن از شکل گیری جنبش های رهائی بخش و نیرو های پیشرو و مترقی در افغانستان جلوگیری کرده اند.

این سه ضلع خود در یک تناقض عجیب به سر می برد دولت تکنوکرات ها نمایندگی از دموکراسی متناقض غربی می کند، این دولت وظیفه دارد تا هم ملا هائی مثل مجیب الرحمان و امثال شان را راضی نگه دارد و با طرح هائی ناقص و معیوب مثل راندن کودکان از صنف اول تا سه برای فرا گرفتن تعلیم و تربیه به دامن ملا و مسجد، این ملایان خواهان غیابت زنان از زندگی اجتماعی هستند این ملایان موجودیت زن در جامعه را باعث شروفساد می دانند، گروه های امر به معروف و نهی از منکر ترتیب داده جوانان را سر کوب می نمایند و سقف آزادی های فردی آنان را هرچه بیشتر تنگ و کوتاه می سازند.

از جانبی بانوی اول مملکت با اکت و ادای فمینیستی از بیسواد ترین و دلقک ترین زنانی مانند رنگینه که حتی توانائی خواندن فارسی یا پشتو از روی کاغذ را دارا نیست زیرنام زنان توانمند دفاع می کند. که این در ذات خود نوعی ترویج فساد به حساب می آید.

ضلع دیگر رهبران جهادی همان شیدانی اند که در جریان چهل سال جنگ تولید و بازتولید شده اند و هر کدام شان که در مصلحت و خیانت ید طولائی دارند رهبرانی که برای منافع شان تعلقات قوم و تبار و زبانی را هم مانند مذهب فوق العاده سیاسی ساخته اند؛ این رهبران برای حفظ منافع شخصی و گروهی خودشان از هیچ جنایتی در حق مردم دریغ نمی کنند، این شارلاتان ها همزمان هم داخل نظام اند و هم در جمع اپوزیسیون قرار دارند مانند گلبدین حکمتیار و سایرین.

ضلع سوم همانا چپاول گران معادن، و مالکان کشتزار های کوکنار اند که از قوماندانهای محلی گرفته تا وکیلان پارلمان و افراد با رسوخ داخل نظام را تشکیل می دهند. افراد این ضلع قدرت در افغانستان نمی گذارند که اوضاع سیاسی و اقتصادی در افغانستان به حالت عادی برگردد؛ زیرا این مافیای ها، نه تنها در دولت از تسلط و نفوذ برخوردارند، بلکه

در سطح محلات نیز افراد و گروه‌های غیر مسؤول و مسلح را در اختیار دارند، این افراد برای ترافیک و قاچاق مواد مخدر راه‌ها و شیوه‌های مختلفی را در اختیار دارند.

بانکها، شرکت‌های امنیتی، شرکت‌های ساختمانی، شرکت‌های ترانزیتی و تجاری، شرکت‌های هوایی، پولیس، اردو و امنیت همه در دست همین افراد قرار دارند.

و اگر جایی مشکلی برایشان پیش آید، با پرداخت رشوت‌های دالری به ادارات فاسد دولت، موانع را بسادگی از سر راه خویش برمی‌دارند.

لذا بادر نظر داشت آنچه گفته آمد آیا شوالیه صالح می‌تواند کشتی شکسته دولت غنی را به ساحل برساند و توجه جهانیان را به سوی دولت افغانستان جلب کند؟ و با حفظ نام به اصطلاح "دولت جمهوری افغانستان" در مقابل طالبان و پاکستان آن را شریک کاسه کند؟



به هر صورت امریکا با وارد ساختن طالبان در ترکیب سیاسی قدرت حاکمه، از یک طرف نقش پاکستان را در سیاست‌های افغانستان پررنگ می‌سازد و از طرفی با حضور طالبان به حیث عقب مانده ترین قشر موجود اجتماعی در حاکمیت سیاسی، جامعه انسانی افغانستان را به سمت خرافات عصر حجر و سنت‌های پوسیده سوق می‌دهد. به هر حال استعمار در طول تاریخ با هجوم به ملل تحت ستم مانع رشد و تکامل اجتماعی آنها شده و کم هزینه ترین راهها را برای غارت مردم انتخاب نموده است.